

امام خمینی^(ره): این محرم و صفر است که اسلام را زنده نگه داشته است.

۱. ترکیب «سوالف مرضی» با کدام گزینه مترادف است؟
الف. مواعظ مسطور ب. مواعید مروی ج. مآثر مشکور د. معاذیر مقبول
۲. نقش «هول» در این عبارت در کدام گزینه آمده است؟
«هول ارتکابی کردی و این عذر و غمز را مدخلی نیک باریک جستی و ملک را خیانتی عظیم روا داشتی.»
الف. قید مقدار ب. صفت ج. تمیز د. بدل
۳. کدام گزینه درست معنی شده است؟
«گاه مجرمان را ثواب کردار مخلصان ارزانی می‌دارند و گاه ناصحان را به عذاب زَلَّت جانیان مؤاخذت می‌نمایند.»
الف. ثواب: درستی ب. زَلَّت: حقارت ج. جانیان: گناهکاران د. مؤاخذت: زندانی کردن
۴. معنی صحیح «به امضا رسانیدن» در این عبارت کدام است؟
«بی ایضاح بیئت و الزام حجت جایز نیست عزیمت را در اقامت حدود به امضا رسانیدن.»
الف. تأیید کردن ب. صادر کردن ج. به تصویب رسانیدن د. اجرا کردن
۵. عبارت «فَإِنَّ الزَّئِدَ يَورِي بِاِقْتِدَاحِ» با کدام گزینه متناسب است؟
الف. اگر من خود را جرمی شناسمی در تدارک غلو التماس ننمایم.
ب. آتش از ضمیر چوب و دل سنگ بی جد تمام و جهد بلیغ بیرون نتوان آورد.
ج. من واثقم که اگر تفحص به سزا رود از بآس ملک مسلم مانم.
د. محلّ ومنزلت آن ندارم که از سمت عبودیت اَنفَت دارم.
۶. کدام گزینه متناسب با عبارت زیر است؟
«به هر وقت بنده‌ای در معرض کفایت مهمّات نیفتد و مرشّح اعتماد و تربیت نگردد.»
الف. خیره ماند از قیام غالب او ب. ز رایش از نظری یابد آفتاب به صدق
ج. سال‌ها باید که تا یک سنگ اصلی ز آفتاب د. گردون گشاده چشم و زمانه نهاده گوش
لعل گردد در بدخشان یا عقیق اندر یمن هر حکم را که رای تو امضا کند همی.
۷. «بوالعجبی» در این عبارت به چه معنی به کار رفته است؟
«من همیشه بوالعجبی دمنه شنودمی و مخرج‌های باریک و مخلص‌های نادر که می‌جوید.»
الف. مکاری و حقّه‌بازی ب. ناشناختگی ج. تکبر د. داستان پردازی
۸. «ساعی» در این عبارت به چه معنی به کار رفته است؟
«ساعی پیش از اجل میرد. از مردن انقطاع زندگانی نخواسته‌اند اما رنج‌هایی ببیند که حیات را منقّص گرداند.»
الف. کوشا ب. حریص ج. سخن چین د. بدکار و ظالم

۹. این عبارت چه نکته‌ای را توصیه می‌کند؟

« زنده گذاشتن فجّار هم تنگ کشتن اخیار است. »

الف. تربیت فجّار ب. زنده گذاشتن اخیار ج. کشتن فجّار د. هم تنگ کردن فجّار و اخیار

۱۰. کدام گزینه صحیح می‌باشد؟

« هر گفتاری را پاداشی است عاجل و آجل. » « روزگار چنان که عادت اوست در بازخواست مواهب و ربودن نفایس، او را

دست بردی نمود تا قوّت ذات و نور بصر در تراجع افتاد. »

الف. عاجل: اکنون، این جهانی ب. آجل: اجل و سرنوشت

ج. دست برد نمودن: ربودن د. تراجع: افزونی

۱۱. « اگر تحرّز نمایم جانب شفقت و نصیحت مهمل ماند » یعنی:

الف. چون مهربان و دلسوز هستم نمی‌گویم. ب. بهتر آن است که دخالت نکنم.

ج. خودداری و احتیاط بهترین تذکّر است. د. اگر نگویم شرط دوستی و دلسوزی را به‌جا نیاورده‌ام.

۱۲. مفرد « معاذیر » در کدام گزینه آمده است؟

الف. عذر ب. معذرت ج. معذار د. معذور

۱۳. « بی‌حفاظ » در عبارت « غلامی بی‌حفاظ داشت و بازدارای کردی. » به چه معنی آمده است؟

الف. بی‌شرم و ناخویش‌دار ب. بی‌توجه و سربه‌هوا

ج. شجاع د. بی‌رحم

۱۴. « چون طمع او در من وفا نشد و دیانت من میان او و غرض او حایل آمد، این رنگ آمیخت. » « رنگ آمیختن » به چه معنی است؟

الف. تصوّر کردن ب. نیرنگ کردن ج. لطف کردن د. هنرمندی کردن

۱۵. « ابواب تشدید و تضعیف تقدیم نمودند. » یعنی:

الف. به سختی تمام یاری و کمک کردند.

ب. بسیار محکم کاری کردند.

ج. به سختی تمام وظایف و خدمت خود را انجام دادند.

د. انواع شدّت عمل و درشتی را به کار بردند.

۱۶. « بر شواهِق نیکو رفتی و از مضایق نیکو بیرون آمدی و در دیوان رسالت نوح بن منصور محرّری کردی. » این عبارت مربوط

به چه صنعتی است؟

الف. بازدارای ب. دبیری ج. شاطری و عیاری د. شاعری

۱۷. « نامه عرضه کرد و پیغام بگفت و هیچ باز نگرفت. » « باز نگرفت » یعنی:

الف. حذف نکرد. ب. تغییر نداد. ج. درخواست نکرد. د. فرصت از دست نداد.

۱۸. « ابطال و شداد لشکر ماوراءالنهر و خراسان از قلب حرکت کردند. » « ابطال و شداد » یعنی:

الف. جاسوسان ب. زخمی‌ها و خسته‌ها ج. پهلوانان و نیرومندان د. فرماندهان

۱۹. «تاش درکشید و به بیهق آمد» «درکشید» به چه معنی است؟
الف. فرار کرد. ب. پیشیمان شد. ج. عصیان کرد. د. حرکت کرد.
۲۰. با توجه به عبارت «لمغانیان مردمان بشکوه باشند و جلد و کسوب و با جلدی زعری عظیم تا به غایتی که باک ندارند که بر عامل به یک من کاه و یک بیضه رفع کنند.» کدام گزینه درست است؟
الف. کسوب: بی کس و حرفه ب. زعری: بدخویی
ج. جلد: عجل د. رفع کنند: گستاخی کردن
۲۱. «گفتند: اینت جوابی کامل و اینت لفظی شامل و خاقان عظیم برافروخت.» «اینت» و «برافروخت» به ترتیب در کدام گزینه صحیح معنی شده‌اند؟
الف. صوت شگفتی به معنی زهی - شاد شد. ب. شبه جمله - خشمگین شد.
ج. صورت تمناً - شاد شد. د. صوت تحسین - خشمگین شد.
۲۲. «علی بن لیث مرا از رباط سنگین باز گردانید و به خراسان به شحنگی اقطاع فرمود.» «اقطاع» یعنی:
الف. مأموریت‌ها ب. زمین‌های خراجی و پردرآمد
ج. مسئولیت‌ها د. نام شهری از شهرهای خراسان
۲۳. «مفلق» در عبارت «بسا مهتران که نعمت پادشاهان خوردند و بخشش‌های گران کردند و بر این شعرای مفلق سپردند.» به چه معنی است؟
الف. پیچیده‌گوی ب. متملق ج. ژانژخای د. نیکو سخن
۲۴. «شاعر باید که سلیم الفطره، عظیم الفکره، صحیح الطبع، جیدالرویه و دقیق النظر باشد.» «جیدالرویه» یعنی:
الف. دارای اخلاق و عادت ستوده ب. دارای رأی و اندیشه خوب
ج. خوش اخلاق د. کوشا
۲۵. «باید شعر و شاعر بدان درجه رسیده باشد که در صحیفه روزگار مسطور باشد و بر السنه احرار مقروء و بر سفاین بنویسند و در مدائن بخوانند.» «سفاین» در کدام گزینه معنی شده است؟
الف. نام شهری در بلخ ب. جنگها و دفترها ج. کشتی‌ها د. مشرق
۲۶. «انصاف از نعیم جوانی بستند و داد از عنفوان شباب بدادند.» یعنی:
الف. از آغاز جوانی شروع به انصاف دادن و مهربانی کردند.
ب. جوانی را پشت‌سر گذاشتند و پیر شدند.
ج. حق نعمت جوانی را ادا کردند و جوانی کردند.
د. به جوانان و پیران نیکی کردند.
۲۷. «و از آن دو نوع است: یکی پرنیان و دوم کلنجری تنک پوست خرد تکس بسیار آب» در این عبارت «تکس» به چه معنی به کار برده شده است؟
الف. هسته انگور ب. پارچه ج. شراب د. خال

۲۸. «امیر چنان منفعل گشت که از تخت فرود آمد و بی موزه پای در رکاب خنگ نوبتی آورد روی به بخارا نهاد چنانکه رانین و موزه تا دو فرسنگ در پی امیر بردند.» این ماجرا پس از شعر معروف کدام شاعر روی داد؟

الف. خیام ب. فردوسی ج. فرخی سیستانی د. رودکی

۲۹. «چون اندکی تفکر کند که من در این مصیبت» در این عبارت «مصیبت» در کدام گزینه معنی شده است؟

الف. جدی هستم. ب. درست می گویم. ج. ناراضی ام د. ناراحتم

۳۰. «به درگاه امیر افروخته چند کوهی و کرگان را داغ همی کنند.» «چند» در این عبارت در چه نقشی به کار رفته است؟

الف. صفت مبهم ب. قید مقدار ج. ضمیر مبهم د. صفت پرسشی